



فقه ۹

کرایش فقه و اصول

درس ۵۰

استاد: حجت الاسلام والمسلمین عظیمی

آموزشیار: آقای صبائی

مقدمه

قائلین به عدم جواز انتفاع از متنجس به سه دلیل (آیات، روایات و اجماعات) تمسک نموده‌اند. در درس‌های قبل بحث از آیات و روایات تمام شد. در بحث اجماعات نیز مجموعاً سه اجماع ادعا شده است: اجماع سید مرتضی در «انتصار»، اجماع شیخ الطائفه در «خلاف» و اجماع سید ابن زهره در کتاب «غنیه»؛ که دو اجماع اول را بررسی کردیم و در این درس به اجماع سوم می‌پردازیم.

مطالبی که در این درس به آنها پرداخته می‌شود عبارتند از:

۱. جواب شیخ انصاری بر ادعای اجماع توسط «ابن زهره» بر عدم جواز انتفاع از متنجس.
۲. موهون بودن اجماع بر عدم جواز انتفاع از متنجس از آن جهت که در اغلب موارد استفاده از متنجس جایز است.
۳. بیان کلمات از علمائی همچون محقق، علامه و شهید اوّل که همگی در غالب موارد قائل به جواز انتفاع از متنجس می‌باشند.

متن درس:

و اما اجماع السيّد في الغُنية، فهو في أصل مسألة تحريم بيع النجاسات و استثناء الكلب المُعَلَّم و الزَّيْتِ المتنجّس، لا في ما ذكره من أنّ حرمة بيع المتنجّس من حيث دخوله في ما يحرم الانتفاع، نعم، هو قائل بذلك. و بالجملة، فلا يُنكر ظهور كلام السيّد في حرمة الانتفاع بالنجس الذاتي و العرضي، و لكنّ دعواه الاجماع على ذلك بعيدة عن مدلول كلامه جدّاً.

و كذلك لا ينكر كون السيّد و الشيخ قائلين بحرمة الانتفاع بالمتنجّس - كما هو ظاهر المفيد^١ و صريح الحلّي^٢ - لكن دعواهما الاجماع على ذلك ممنوعة عند المتأمل المنصف. ثمّ على تقدير تسليم دعواهم الاجماع، فلا ريب في وهنها بما يظهر من أكثر المتأخرين من قصر حرمة الانتفاع على امورٍ خاصّة.

قال في المعتبر - في أحكام الماء المتنجّس - و كلّ ماء حُكِمَ بنجاسته لم يجز استعماله - الى أن قال - و يريد بالمنع عن استعماله: الاستعمال في الطهارة و ازالة الخبث و الأكل و الشرب دون غيره، مثل بلّ الطين و سقى الدابة^٣، انتهى. أقول: إنّ بلّ الصبغ و الحناء بذلك الماء داخل في الغير، فلا يحرم الانتفاع بهما. و اما العلامة، فقد قصر حرمة استعمال الماء المتنجّس - في التحرير^٤ و القواعد^٥ و الارشاد^٦ - على الطهارة و الأكل و الشرب و جوّز في المنتهى الانتفاع بالعجين النجس في علف الدواب، مُحْتَجّاً بأنّ المحرّم على المكلف تناوله، و بأنّه انتفاع فيكون سائغاً؛ للأصل^٧.

و لا يخفى أنّ كلا دليليه صريح في حصر التحريم في أكل العجين المتنجّس. و قال الشهيد في قواعده: «النجاسة ما حرم استعماله في الصلاة و الأغذية». ثمّ ذكر ما يؤيّد المطلوب. و قال في الذكري - في احكام النجاسة - تجب ازالة النجاسة عن الثوب و البدن، ثمّ ذكر المساجد و غيرها، - الى أن قال - و عن كلّ مستعمل في أكل أو شرب أو ضوءٍ تحت ظلٍّ؛ للنهي على النجس، و للنص^٨، انتهى.

^١ المقنعه ص ٥٨٢

^٢ السرائر ج ٢ ص ٢١٩، ج ٣ ص ١٢١

^٣ المعتبر ج ١ ص ١٠٥

^٤ تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الإمامية ج ١ ص ٥

^٥ قواعد الاحكام في معرفة الحلال و الحرام ج ١ ص ١٨٩

^٦ ارشاد الازدهان الى الاحكام الايمان ج ١ ص ٢٣٨

^٧ المنتهى ج ١ ص ١٨٠، و لم نجد في كلامه الاستدلال بالأصل صريحاً

^٨ ذكرى الشيعة ص ١٤

و مراده بالنهي عن النجس: النهي عن أكله، و مراده بالنص: ما ورد من المنع عن الاستصباح بالدهن المتنجس تحت السقف،

فأنظر الى صراحة كلامه في أنّ المحرّم من الدهن المتنجس - بعد الأكل و الشرب - خصوص الاستضاءة تحت الظل؛ للنص.

و هو المطابق لما حكاه المحقق الثاني - في حاشية الارشاد^١ - عنه (قدس سرّه) في بعض فوائده: من جواز الانتفاع بالدهن المتنجس في جميع ما يتصور من فوائده.

^١ حاشية الارشاد (مخطوط) ص ٢٠٣ و ص ٢٠٤

بررسی اجماع ابن زهره

قائلین به عدم جواز انتفاع از متنجس، به آیات، روایات و چند اجماع تمسک نموده‌اند. سومین اجماع مطرح شده از «ابن زهره» است که دلالت کلام ایشان بر مدعای مذکور را بررسی می‌کنیم.

ابن زهره در «غنیه» سه مطلب را بیان کرده است:

مطلب اول: مبیع باید دارای منافع محلله مقصوده باشد.

مطلب دوم: نجس یا متنجسی که قابلیت تطهیر را ندارد، دارای منفعت حلال نمی‌باشند.

مطلب سوم: بیع نجس و متنجس جایز نیست مگر سگ آموزش دیده برای شکار و روغن زیتون متنجس برای استصباح.

و بعد از بیان این سه مطلب فرموده است: «و هو اجماع الطائفة»^۱

شیخ انصاری می‌فرماید: ظاهر اینکه اجماع را بعد از مطلب سوم آورده آن است که معقد و مورد اجماع، همان مطلب سوم (بیع نجس و متنجس ممنوع است مگر آن دو مورد استثناء شده) می‌باشد و این اجماع ضرری بر قول به اصل جواز انتفاع از متنجس نمی‌زند.

بله اگر فرموده بود: انتفاع و استفاده از اعیان نجسه و متنجسه بالاجماع حرام است، چنین کلامی مانع از اصل جواز انتفاع به متنجس می‌شد.^۲

اشکال مشترک بر اجماعات

نکته‌ای که توجه به آن در اینجا لازم می‌باشد آن است که: سیدمرتضی، شیخ الطائفة و سید ابن زهره فتوا داده‌اند که انتفاع به متنجس جایز نیست (همانطور که مفید و ابن ادریس هم فتوی به عدم جواز انتفاع از متنجس داده‌اند) اما نگفته‌اند: اجماع داریم که انتفاع به متنجس جایز نیست، به عبارت دیگر: فتوا به عدم جواز داده‌اند ولی ادعای اجماع بر عدم جواز نکرده‌اند.

و اگر کسی اصرار کند که این سه بزرگوار ادعای اجماع کرده‌اند بر اینکه انتفاع به متنجس جایز نیست؛ در جواب می‌گوییم:

اگر هم ثابت شود اینها ادعای اجماع بر عدم جواز انتفاع به متنجس کرده‌اند لکن این اجماعات موهون و ضعیف است، چرا که بسیاری از علما فتوا به جواز انتفاع به متنجسی که قابلیت تطهیر را دارد داده‌اند. توضیح آنکه:

به طور کلی متنجس بر سه قسم است:

۱. متنجسی که امکان تطهیرش وجود دارد.

^۱ بیشتر بدانیم: متن عبارت اینگونه است: «و قیدنا بكونها - المنفعة - مباحة تحفظاً من المنافع المحرمة، و يدخل فی ذلك كل نجس لا يمكن تطهيره، الا ما أخرجناه الدليل من بيع الكلب المعلم للصيد و الزيت النجس للأستصباح به تحت السماء، و هو اجماع الطائفة» (الغنیه ص ۲۱۳)

^۲ بیشتر بدانیم: مرحوم خوئی در رابطه با اجماع ابن زهره در «غنیه» می‌فرماید: و هذه العبارة و ان كانت صريحة فی نقل الاجماع الا ان الظاهر رجوعه الى مطلع كلامه، اعني حرمة بيع النجس، فلا دلالة فيها على حرمة الانتفاع بالمتنجس و يحتمل قريباً ان يرجع الى آخر كلامه، اعني استثناء الكلب المعلم للصيد و الزيت المتنجس للأستصباح من حرمة البيع (الموسوعة الامام الخوئی ج ۳۵ ص ۲۱۲)

۲. متنجسی که امکان تطهیرش وجود ندارد ولی استفاده از او متوقف بر طهارتش نمی‌باشد.

۳. متنجسی که امکان تطهیرش وجود ندارد و استفاده از آن متوقف بر طهارتش می‌باشد.

در دو قسم اوّل همه فتوا به جواز انتفاع از متنجس داده‌اند، و فقط در قسم سوم است که استفاده از متنجس را جایز ندانسته‌اند. در نتیجه اگر کسی اصرار بورزد که این سه بزرگوار ادعای اجماع دارند بر اینکه استفاده از متنجس جایز نیست، در جوابشان گفته می‌شود: این اجماع از آن جهت که در اغلب موارد (قسم اوّل و دوّم) استفاده از متنجس طبق فتوای بزرگان جایز است، موهون و سست می‌باشد.

شرح و تطبیق

و اما اجماع السید فی الغنیة، فهو فی أصل مسألة تحريم بيع النجاسات و استثناء الكلب المَعْلَم و الزَّيْتِ المتنَجِّس، لا فی ما ذكره من أنّ حرمة بيع المتنَجِّس من حيث دخوله فی ما یحرم الانتفاع، نعم، هو قائل بذلك.

اما در اجماعی که سید در غنیه ادعا کرده است، مورد اجماع عبارت است از اصل مسئله تحریم بیع نجاسات به استثناء سگ آموزش دیده و روغن زیتون متنجس، نه آنکه مورد اجماع مطلبی باشد که سید (دقبل از آن) ذکر کرده که حرمت بیع متنجس از این جهت است که متنجس داخل و جزء چیزهایی است که انتفاعش حرام است. (پس سید در مورد مطلب سوم ادعای اجماع ندارد) بله سید ابن زهره فتوای به این مطلب داده است.

و بالجملة، فلا یُنکر ظهور کلام السید فی حرمة الانتفاع بالنجس الذاتی و العرضی، و لكنّ دعواه الاجماع علی ذلک بعیدة عن مدلول کلامه جدّاً.

خلاصه، ظهور کلام سید ابن زهره در اینکه انتفاع به نجس ذاتی (یعنی نجس العین) و نجس عرضی (یعنی متنجس) حرام است، انکار نمی‌شود؛ لکن اینکه سید ابن زهره ادعای اجماع به حرمت انتفاع به نجس ذاتی و متنجس کرده باشد، این با ظاهر کلامش سازگار نیست.

و کذلک لا ینکر کون السید و الشیخ قائلین بحرمة الانتفاع بالمتنَجِّس - كما هو ظاهر المفید و صریح الحلی - لکن دعواهم الاجماع علی ذلک ممنوعه عند المتأمل المُنْصَف.

ثمّ علی تقدیر تسلیم دعواهم الاجماع، فلا ریب فی وهنهما بما یظهر من قصر حرمة الانتفاع علی امور خاصّة.

و همچنین انکار نمی‌شود که سیدمرتضی، و شیخ طوسی قائل به حرمت انتفاع به متنجس هستند [چنانچه این حکم (حرمت انتفاع به متنجس) ظاهر کلام شیخ مفید و صریح ابن ادریس حلی است]؛ لکن ادعای سیدمرتضی و شیخ طوسی بر وجود اجماع بر این حکم (حرمت انتفاع به متنجس) نزد کسی که اهل تأمل و انصاف باشد پذیرفته نیست.

سپس بر فرض که ادعای ایشان بر وجود اجماع بر حرمت انتفاع پذیرفته شود پس شکی نیست در سستی این اجماع به سبب آنچه ظاهر می‌شود از اکثر متأخرین مبنی بر منحصر کردن حرمت انتفاع بر امور خاصه. (چون متنجس سه حالت دارد و تنها در یک حالت قائل به عدم جواز شده‌اند)

SCO۱: ۱۳:۲۳

بیان کلماتی از فقها دالّ بر جواز انتفاع از متنجس

شیخ انصاری در ادامه به ذکر بعضی از اقوال علماء می‌پردازند که در ضمن این اقوال مطلبی که گفته شد مبنی بر اینکه علماء در اغلب موارد قائل به جواز انتفاع از متنجس می‌باشند بیشتر روشن می‌شود.

الف) کلام محقق حلی در «معتبر»

محقق در کتاب «معتبر» در مورد حکم آب قلیلی که نجس شده می‌فرماید: «هر آبی که محکوم به نجاست باشد استعمالش جایز نیست» و ادامه می‌دهد: «منظور ما از عدم جواز استعمال آب، منع مطلق نیست که به طور کلی استعمالش جایز نیست بلکه مرادمان این است که: استفاده از آب متنجس برای وضو، غُسل و ازاله خبث^۱، اکل و شرب جایز نیست نه غیر اینها»

یعنی در تمام مواردی که استفاده و انتفاع از آنها متوقف بر طهارت است از آب متنجس نمی‌توان استفاده کرد، اما در غیر این موارد انتفاع از آب متنجس اشکالی ندارد؛ مانند اینکه کسی خاک را بوسیله آب متنجس مرطوب کند و گل درست کند یا آب نجس را به چهارپایان بخوراند.

شیخ انصاری اضافه می‌کند: درست کردن رنگ با آب نجس و مرطوب کردن حنا با آب نجس هم از مواردی است که انتفاع از آن جایز است و اشکالی ندارد.^۲

شرح و تطبیق

قال فی المعتبر - فی أحكام الماء المتنجس - : و کلُّ ماءٍ حُكْمٌ بِنَجَاسَتِهِ لَمْ يَجْزِ اسْتِعْمَالُهُ. - الی أن قال - : یرید بالمنع عن استعماله: الاستعمال فی الطهارة^۳ و ازالة الخبث والأكل و الشرب دون غیره، مثل بَلِّ الطین و سَقَى الدابة، انتهى. محقق در «معتبر» در رابطه با احکام آب قلیل نجس شده فرموده است: هر آبی که حکم به نجاست آن شده، استعمال آن جایز نیست. تا آنجا که گفته: و از عدم جواز استعمال اراده شده است: استعمال برای طهارت و رفع خبث و خوردن و آشامیدن نه غیر این موارد (که در غیر این موارد استعمال آب متنجس جایز است) مانند مرطوب کردن خاک (گل درست کردن) و سیراب کردن چهارپایان.

أقول: إنَّ بَلِّ الصَّبْغِ و الحناءِ بذلک الماء داخلٌ فی الغیر، فلا یحرم الانتفاع بهما.

(شیخ انصاری می‌فرماید:) به نظر من، مرطوب کردن رنگ و حناء با آب متنجس، داخل در «غیره» است که محقق فرموده است، پس استفاده از رنگ و حنای فوق، حرام نخواهد بود.

ب) کلام علامه حلی

^۱ بیشتر بدانیم: مراد از «خبث» نجاست ظاهری می‌باشد.

^۲ بیشتر بدانیم: مرحوم خوئی در رابطه با «صبغ» و «حناء» فرموده‌اند: الصبغ و الحناء لیسا من محل النزاع هنا فی شیء و لم یتقدم لهما ذکر سابق، فلا نری وجهاً صحیحاً لذکرهما (الموسوعة الامام الخوئی ج ۳۵ ص ۲۱۳)

^۳ بیشتر بدانیم: «طهارت» در اصطلاح فقهاء اسم برای «وضو»، «غسل» و «تیمم» می‌باشد ولی در اینجا اسم برای «وضو» و «غسل» می‌باشد.

یکی دیگر از کسانی که قائل به جواز انتفاع از متنجس می‌باشند، مرحوم علامه حلی می‌باشد، علامه در سه کتاب خود یعنی «تحریر»، «قواعد» و «ارشاد» حرمت استفاده از آب نجس را منحصر به سه مورد کرده است که تنها در این سه مورد نمی‌توان از آب نجس استفاده کرد و آن سه مورد عبارتند از:

۱. برای طهارت یعنی وضو و غسل که باید با آب طاهر انجام شود.^۱

۲. برای خوردن

۳. برای آشامیدن

مفهوم این حصر آن است که در غیر این سه مورد، انتفاع از متنجس جایز است.

علامه در کتاب دیگر خود یعنی «منتهی» استفاده از خمیر نجس، برای خوراک دام را جایز دانسته و دو دلیل برای آن آورده است.

۱. آنچه حرام است خوردن خمیر نجس است، لذا سایر انتفاعات از آن از جمله برای خوراک دام جایز است.

۲. علوفه قرار دادن خمیر نجس برای حیوانات، نوعی از انتفاع است، و هر انتفاعی بدلیل آنکه اصل اولی جواز است؛ جایز است، پس قرار دادن خمیر نجس به عنوان خوراک دام جایز است.

شیخ انصاری می‌فرماید: از هر دو دلیل علامه استفاده می‌شود که تنها استفاده انسان از خمیر نجس برای خوردن حرام است، اما سایر انتفاعات از نجس جایز می‌باشد.

شرح و تطبیق

و اما العلامة فقد قصر حرمة استعمال الماء المتنجس - فی التحریر و القواعد و الارشاد - علی الطهارة و الأكل و الشرب

و اما علامه حلی در کتاب‌های «تحریر»، «قواعد» و «ارشاد» حرمت استفاده از آب متنجس را در طهارت و خوردن و آشامیدن منحصر کرده است

و جوز فی المنتهی الانتفاع بالعجین النجس فی علف الدواب، مُحْتَجّاً بِأَنَّ المحرّم علی المکلف تناوله، و بانه انتفاع فیکون سائغاً للأصل.

و در کتاب «منتهی» استفاده از خمیر نجس شده در علف چهارپایان را اجازه داده است در حالیکه اینگونه استدلال کرده: آنچه بر مکلف حرام است خوردن آن است (لذا خوراندن به حیوان مانعی ندارد) و اینکه خوراندن به حیوان نوعی استفاده است که به دلیل اصل (اصالة الجواز) استفاده از آن جایز می‌باشد.

و لا یخفی أنّ کلاً دلیلیه صریح فی حصر التحريم فی أكل العجین المتنجس.

(شیخ انصاری می‌فرماید: پوشیده نیست که هر دو دلیل علامه (در منتهی) صراحت دارد در اینکه حرمت منحصر در خوردن خمیر متنجس است (اما سایر استفاده‌ها از آنها جایز است).

^۱ بیشتر بدانیم: شاید منظور علامه از طهارت، اعم از طهارت باطنی که با وضو و غسل انجام می‌شود و طهارت ظاهری (یعنی طهارت لباس و بدن) باشد همانطور که در کلام محقق اول به هر دو بخش تصریح شده بود. (شرح آقای محمدی ج ۱ ص ۲۴۲)

ج) کلام شهید اول

سومین عبارت از شهید اول می‌باشد. شهید اول در کتاب «قواعد» فرموده است: «نجاست چیزی است که استفاده از آن در نماز^۱ و خوراک^۲ حرام باشد.» مفهوم این سخن آن است که انتفاع در سایر جهات حرام نمی‌باشد. در ادامه هم مطالبی را فرموده که اصل جواز انتفاع از متنجس و انحصار حرمت در موارد خاص را بیان می‌کند.^۳ شهید اول در کتاب «ذکری» هم در بحث احکام نجاسات فرموده است: ازاله نجاست از هر چیزی که در خوردن و نوشیدن و روشنایی زیر سقف به کار می‌رود واجب است به دو دلیل:

۱. به جهت وجود نهی از نجس که دلالت بر تحریم می‌کند.

۲. به جهت نصّ خاصّ

شیخ انصاری می‌فرماید: دلیل اولی که شهید آورده برای مورد اول و دوم (خوردن و آشامیدن) است یعنی ازاله نجاست در خوردن و نوشیدن لازم است به دلیل وجود نهی از نجس، و دلیل دومی که شهید آورده برای مورد سوم (روشنایی زیر سقف) است یعنی نصّ خاصّ وجود دارد که دلالت بر منع از استصحاب به روغن نجس در زیر سقف می‌کند.

شیخ انصاری از کلام شهید در «ذکری» نتیجه‌گیری می‌کند: اینکه شهید استفاده از روغن متنجس را تنها برای خوردن و آشامیدن و روشن کردن زیر سقف، حرام کرده است فهمیده می‌شود که سایر انتفاعات از روغن متنجس همانند صابون درست کردن، چرب کردن کشتی و... جایز می‌باشد چرا که جواز مطابق اصل است و حرمت است که نیازمند دلیل می‌باشد.

در پایان شیخ انصاری می‌فرماید: مطالبی را که ما از شهید اول در کتاب «ذکری» بیان کردیم، مطابق آن چیزی است که محقق ثانی در حاشیه ارشاد خود از شهید اول از بعضی از فوائد ایشان نقل کرده است که: «استفاده از روغن متنجس در جمیع منافع آن جایز است» که مراد از «جمیع منافع» فوائد و منافع حلال می‌باشد یعنی اصل اولی جواز انتفاع از تمام منافع آن می‌باشد مگر مواردی که دلیل بر عدم جواز داریم.

شرح و تطبیق

و قال الشهيد في قواعده: «النجاسة ما حرم استعماله في الصلاة و الاغذية». ثم ذكر ما يؤيد المطلوب.

^۱ بیشتر بدانیم : و آنچه در حکم نماز است مانند طواف.

^۲ بیشتر بدانیم : و در نوشیدنی‌ها.

^۳ بیشتر بدانیم : در تکمیل استدلال به کلام شهید اول باید گفت: اگر مراد شهید از «نجاست» خصوص نجس‌العین باشد یعنی : در اعیان نجس اصل، بر جواز از سایر انتفاعات است پس به طریق اولی در متنجس هم همین نظر را خواهند داشت، و اگر مرادشان از «نجاست» اعم از نجس و متنجس باشد که به منطوق شامل محل بحث، یعنی متنجس می‌شود (شرح آقای محمدی ج ۱ ص ۲۴۳)

شهید اول در کتاب قواعدش می فرماید: «نجاست عبارت است از آن چیزی که استعمالش در نماز و خوراک جایز نیست» سپس مطالبی را ذکر می کند که مطلوب (جواز انتفاع از متنجس مگر در اموری که متوقف بر طهارت است) را تأیید می کند.

و قال فی الذکری - فی احکام النجاسة :- تجب ازالة النجاسة عن الثوب و البدن، ثم ذکر المساجد و غيرها، - الی أن قال :- و عن کل مستعمل فی أکل أو شرب أو ضوء تحت ظلّ؛ للنیهی علی النجس، و للنصّ، انتهى.

و شهید اول در کتاب «ذکری» در احکام نجاست می فرماید: واجب است ازاله نجاست از لباس و بدن (برای نماز و طواف) سپس بحث مساجد و غیرمساجد^۱ را مطرح می کند تا اینکه می فرماید: ازاله نجاست از هر چیزی که بکار گرفته می شود در خوردن، نوشیدن یا روشنایی زیر سایه به خاطر نهی از نجس و به جهت وجود نص واجب است. و مراده بالنهی عن النجس: النهی عن أکله

(شیخ انصاری کلام شهید را توضیح داده و می فرماید: منظور شهید از «نهی از نجس»، نهی از اکل نجس است (نه نهی از استفاده کردن از نجس به طور کلی)

و مراده بالنصّ: ما ورد من المنع عن الاستصباح بالدهن المتنجّس تحت السقف^۲، فأنظر الی صراحة کلامه فی أنّ المحرّم من الدهن المتنجّس - بعد الأکل و الشرب - خصوص الاستضاءة تحت الظلّ؛ للنصّ.

و مرادش از «نص» همان روایتی است که از استصباح به روغن متنجس در زیر سقف منع کرده است. پس نگاه کن به صراحت کلام شهید که می فرماید: استفاده حرام از روغن متنجس - بعد از اکل و شرب - تنها روشن کردن روغن متنجس در زیر سایه می باشد آن هم به جهت وجود نصّ. و هو المطابق لما حکاه المحقّق الثانی - فی حاشیة الارشاد - عنه (قدس سرّه) فی بعض فوائد: من جواز الانتفاع بالدهن المتنجّس فی جمیع ما يتصور من فوائده.

و مطالبی که از شهید نقل شد مطابق است با آنچه که آن را محقق ثانی در حاشیه ارشاد از شهید اول در بعضی از فوایدش حکایت کرده که شهید آنجا فرموده است: جایز است انتفاع از روغن متنجس در تمام آنچه که تصور می شود از فواید روغن متنجس (جمیع فوائد یعنی غیر از اکل و شرب و روشن کردن زیر سقف)

SC03: ۲۸:۲۹

^۱ بیشتر بدانیم: غیرمساجد مثلاً مصحف شریف، اسماء انبیاء و ائمه مشاهد مشرفه و...

^۲ بیشتر بدانیم: مرحوم خوئی فرموده اند: قد عرفت عدم ورود النصّ بذلک. (الموسوعة الامام الخوئی ج ۳۵ ص ۲۱۳)

چکیده

مطالبی که در این جلسه به آنها پرداخته شد عبارتند از:

۱. یکی از ادله‌ای که قائلین به عدم جواز انتفاع از متنجس به آن استناد کرده‌اند ادعای اجماعی است که ابن زهره مدعی آن شده است.

۲. شیخ انصاری در جواب از این اجماع می‌فرماید: از آنجا که ابن زهره سه مطلب (۱. لزوم وجود منفعت حلال برای مبیع ۲. در صورتیکه مبیع قابلیت تطهیر نداشته باشد منفعت حلال هم نخواهد داشت ۳. معاوضه نجس و متنجس جایز نیست مگر در مورد سگ آموزش دیده و روغن متنجس برای استصباح) فرموده و بعد از آن ادعای اجماع کرده، ظاهراً اجماع تنها به مطلب سوم برمی‌گردد و لذا دلیلی بر عدم جواز انتفاع از متنجس نمی‌باشد.

۳. جواب کلی از ادعای اجماعی که از طرف سیدمرتضی، شیخ طوسی و ابن زهره بیان شد آن است که اینان فتوی به عدم جواز انتفاع از متنجس داده‌اند لکن مدعی اجماع بر این مسأله نمی‌باشند و باید بین این دو مسأله تفکیک قائل شد.

۴. متنجس بر سه قسم می‌باشد:

الف. تطهیرش ممکن است؛

ب. تطهیرش ممکن نیست ولی انتفاع از آن متوقف بر طهارتش نمی‌باشد؛

ج. تطهیرش ممکن نیست و انتفاع از او هم متوقف بر طهارتش می‌باشد.

۵. با توجه به آنکه همه علماء در قسم اول و دوم قائل به جواز انتفاع از متنجس شده‌اند، لذا ادعای اجماع بر عدم جواز از متنجس با توجه به جواز انتفاع، در اغلب موارد از متنجس (دو قسم اول) موهون می‌شود.

۶. شیخ انصاری کلمات بعضی از علماء که قائل به جواز انتفاع از متنجس در قسم اول و دوم می‌باشند را متذکر می‌شوند، افرادی همچون محقق در معتبر، علامه حلی در تحریر، قواعد و ارشاد، شهید اول در قواعد و ذکر.